

اطلاعی

قابل توجه زعیم عالیقدر متفکر حضرت آیت... طالعاً دست برکات

بعد از سلام و تحیت فرادان، بدلا در معرفت خود مختصراً عرض میکنم که من یک ایرانی متعهد، دیندار

و صادق و معتقد و متمسک به جل المین می‌باشم. چون بعصده خودم سهم آنجباب را در زعامت و رهبری این انقلاب مقدس اسلامی در سطح بالای روشن نگری میدانم از اینجست مرجع دینم که بوسیله آن مجاهد عظیم، توجه کیهنیه انقلاب اسلامی را بمقتضای از پامی رضا مریان شرح مینویست، که روشنگر حقایق بسیاری است بدینوسیله معطوف داشته و بطور (حاشیه برین) علاوه بنام که مخصوصاً طی یک سال اخیر با سلاحها که طاعونت ازل و ابدی ببول این ملت فقر، از امریکای ظالم استعمارگر برای پادگانهای ارتش ایران تهیه و تدارک نموده اگر ادرار تقاضات سران امری و در سناه کهها و جنگلهای مصنوعی باز غنچه‌های تعبیه شده، با الاخص جود را در سران، از لشکرک با نزدیک فشم و در تقاضات جاده تهران ساده و هم و نیز از اندامیک با فشم در محسن جنگلهای مصنوعی هر زوئل منجیل و غره، در سینه گسوده ای منحنی و بسیار نموده که کیهنیه رهبری انقلاب باید توجه بسیار عین بدانها نموده و همه آنها را در کنترل و تحت فشار یک سلسلات انقلابی جدید و مطمئن و صالح بسیار تا مجالی برای سوء استفاده و کاربرد آنها از طرف دشمنان در کین نشسته داخلی و ایادی خطرناک خارجی امریکائی و همستان صهیونیسم، باقی نماند. باشد که این تذکره بی‌شائبه بمنزله خستی در میان ایشان پسند در انقلاب ایران بشم ناچیزی بشمار آید.

در خانه خانی محضی و صلح بداند مقرر فرماید که تمام با قسمتهای حاشی تعالیه بعدی، از نظر آگاهی بیشتر مردم مجاهد ایران نگین شود. با درود و صلوات برین احترام. سید حسن یکنی. تهران. ۲۰ بهمن ماه ۱۳۵۷

۱۳۲۸

۱- در صورت طهارت ارض از شرک

و نیز آداب و عادات آنجا که در وقت ارتکاب

و قتل صورت گرفته است



کتابخانه آنلاین «طالقانی وز فانه ما»

Handwritten text at the bottom of the page, including a signature and date.

رضا مرزبان

هوشیار باشید، هوشیار تر باشید

آخر نیست. و دشمن برای ایجاد شکاف، صفوف مردم جانباز و انقلابی ایران هزاران راه رخنه‌گری دارد که یکی از آنها هم‌اکنون به صورت موضوع پخش اسلحه در برابر ماست: عوامل دشمن، مسلحند، در این هیچ تردید نیست. جوانان جانباز انقلاب هم مسلحند، و شاید تعدادی اسلحه در دست‌های ناسالم و ناصالح مرصت‌طلب نیز باشد. در سال‌های آخر، هرگز فراموش نکرده‌ایم که ماموران «ساواک» در شاهراه‌ها، و در خیابان‌های اصلی کمربندی شهر، چه ناامنی و فضاقتی ایجاد کرده بود. این روزها، مواردی پیش آمده است که دزدان مسلح به خانه‌هایی رفته‌اند و خود را جای جوانان جنگجوی انقلاب جا زده‌اند، غذا خورده‌اند، و پول و طلا خانواده را نیز ربوده‌اند. اما این موارد، و دستبرد‌های احتمالی شبانه به دلیل وجود اسلحه در دست مدافعان انقلاب نیست. به دلیل نقص سازمانی است. دشمن ما بسیار محیل‌تر و خطرناک‌تر از آنست که می‌پنداریم. با این دشمن، تنها سلاح وحدت، یکپارچگی و تشکیلات سیاسی - دفاعی جوانان مسلح انقلابی و مردم پرخروش شهرها و روستاهاست که می‌تواند از در ستیز درآید.

بگذارید دشمن، خودش را بخورد. شاخک‌های تغذیه مالی دشمن را، اعماق نیروی نظامی مملکت قطع کنید، و به سازمان دادن شوراهای یا کمیته‌های محلی، و منطقه‌ای و شهری، و استانی از مردم بپردازید، و ایمنی شهرها و دفاع از دست‌آورد‌های انقلاب را به این ارگان‌نیم جدید انقلابی بسپارید. تازه که برآستی، تعیین کنید ارتش ایران، در شکل و محتوی مرحله انتقالی به ارتش مردمی را بطور کامل طی کرده است و دیگر در آن‌جای پای، یا اثر انگشت قدرت‌های خارجی وجود ندارد.

دشمن در اوضاع و احوال حاضر، شیوه استتار پیش‌گرفته است و ماهرانه و بی‌رحمانه دست به خرابکاری و ترور خواهد زد. اما از یاد نیاورید، خطر ماری که سرش را نکوبیده‌اید و تنها قسمتی از تنش را در دست دارید، بسیار بیش از ماری است که هنوز آسیب ندیده است. آقایان کمیته رهبری انقلاب، هشیار باشید، هشیارتر باشید. خاصه در ارتش، و قوای انتظامی، و بازگردید و به انتصابات خود نیز باریگر نظر بیندازید. امروز می‌توان گفت، تازود است، تا به موقع است، اما فردا، نه.

گم شده است، باید حسابی باز کرد. همچنین کسانی هستند که اگر چند یقین دارند زمان به عقب باز نمی‌گردد و امپراتوری عروسکی کمپانی‌های نفتی فرب، برای همیشه از روی صحنه رفته است، ولی سرشان از شور آرزوهای ناپلئونی پر است، برای اینان نیز، که گهواره در سرزمین‌های استعمار زده آسیایی و آفریقا دارند، باید فکری کرد.

و اما خارجی، در میان بازداشت شدگان هتل «هیلتون» نام یک ژنرال آمریکائی عالی‌رتبه آمده است که هنگام اقامت ژنرال «هويزر» خبر ورود او - به نام‌کارشناس قرارداد‌های تسلیحاتی آمریکا - اعلام شده بود، و او و ژنرال «هويزر» نقش واحدی را در ایران دنبال می‌کردند. «هويزر» رفت ولی او ماند، و اکنون در اس‌سه امریکایی دیگر در بازداشت بسر می‌برند. و به موازات این مجموعه وقایع چند روزه، خبر‌های پراکنده دیروز در باره حضور ناوگان آمریکا در جزایر و سواحل جنوب ایران، نظیر «کیش» و «جاسک» و پیاده شدن تفنگداران دریائی آمریکا در این مناطق، نمی‌تواند امور عادی تلقی شود. شاه عروسکی در دست آمریکا بود، و مجموعه سازمان‌ها و تشکیلات مملکتی را، بعد از شهریور ۲۰ به تدریج، و پنهانی، و از ۲۸ مرداد ۲۲ علنی و آشکارا به امریکایی‌ها سپرده بود. و از واحد‌های اقتصادی و مالی، تا نظامی و اداری و فرهنگی، همه سیاست و نفوذ و اراده مداخله‌گران امریکایی، در آنها جریان داشت. معروف بود که حتی اتاق‌بازرگانی و صنایع و معادن مشاوران امریکائی داشت که در ساختمان این اتاق، محلی برای سکونت و باصلاح «تحقیق» به آنها داده بودند.

امریکایی‌ها، قسمت عمده جنایات نو استعماری و استراتژیک خود را، از طریق همین سازمان‌ها و تشکیلات و زیرسروش نام ایران محکب می‌شدند. اینجا، پل و پایگاهی بود که با وجود شرایط بسیار پیچیده سیاسی - منطقه‌ای ایران، امریکایی‌ها، آسان از آن دست نخواهند کشید، و تا چنان زخم‌دار نشوند که طردشان با یأس کامل همراه باشد، دست از توطئه در ایران نخواهند شست.

شاه، برای بودن و دلالت‌های سیری‌ناپذیرش، ایران را در بست تسلیم امریکایی‌ها کرده بود، و حالا که او رفته است امریکایی‌ها، به سادگی از اینجا نمی‌روند. نگاهی به انتصاب‌های تازه، بسیار تکان دهنده است، مگر در موضعی معین خلاف سابقه و تجربه سالیان دراز، ثابت شود. مردم، برده‌اند، ولی این حرکت اصلی و

مار، زخمی است، مار وحشت‌زده و خشمگین است. شما، تنها قسمت بلندی از دم ما را، قطع کرده‌اید، و حالا، سر مار، با تمام گیجی، ترسو درد، در پناهگاه دور خود می‌پیچد. و می‌خواهد هرچه زهر در کیسه انباشته است به‌جان شما بریزد.

از ارتباط پاره‌پاره وقایع، می‌توان احساس کرد، در نبردی که پیش‌رس به مردم تحمیل شده، طرح کودتا و کشتاری وسیع پیش‌بینی شده بود، و درین طراحی، تمام مهره‌های به‌بازی گرفته شده حکومت، هریک نقش‌های داشتند. از تلویزیون تا پادگان‌ها، و هشیاری و پشتنازی مردم، در نبرد، حلقه اول کودتا را درهم کوبید، و در عین حال به حلقه‌های دیگر توطئه، مجال نداد، و گوشید تمام موجودیت دشمن آزادی مردم و حاکمیت ملی ایران را، به‌نابودی بسپارد. و این یورش، بسیار منطقی و پرثمر بود، اما سکه پیوسته دورو دارد. روی دوم این ضربه سهمگین که به دشمن مردم وارد آمد، می‌گوید، پیروزی‌های ملت، در سطح‌کثونی، سرپوشی برای استتار و بسیج و تهاجم دشمن شده است.

دروغ‌های ارتشبد نصیری را، در باره نیروی «ساواک» هیچ فرزانه ایرانی باور نمی‌کند. این همان سازمانی است که دو سال پیش، عوامل و کارگردان‌های سیاسی آن، پیش‌بینی می‌کردند، اگر در ایران قیامی ملی و مردمی آغاز شود، تشکیلات آنها قادر است، سراسر ایران را به رودی از خون تبدیل کند و بر اوضاع تسلط یابد. کسانی که نظیر این عبارت را از بازیگران سیاسی «ساواک» شنیده‌اند، نمی‌توانند بپذیرند که این سازمان شیطنانی انسجام یافته در ارتباط با شبکه جاسوسی «ستو» و حلقه ارتباط با عوامل اسرائیلی و «سیا» با سقوط ساختمان ستادش، از هم‌کسیخته باشد. همچنین، تهران، نگینی است که از ارتفاعات گرداگردش، پادگان‌های نظامی چون حلقه‌هایی آنرا فراگرفته است. این پادگان‌ها، در پناه جنگل‌های مصنوعی، با قدرت تهاجمی سنگینشان، در انتظاری هستند که برای ما بیگانه نیست. پیوستن به مردم، نشانی دارد. تظاهر به مذهب را نیز جنگ صغین محکوم کرد. نظام شاهنشاهی، فروریخته است ولی تا استقرار نظام مردمی، راه دشواری پیش‌رو داریم.

برای شبکه گسترده افراد سازمان یافته «ساواک»، و برای گروه‌های گوناگون تعلیم یافته در سازمان‌های نامرئی و نیمه‌نامرئی نظامی و شبه‌نظامی، که رژیم فروریخته، بهشت آنها بود، و امروز، نوبت دفاع آنها از بهشت